



روایت NOX

در روزگاران دور، انسان‌ها در جستجوی راه‌هایی برای غلبه بر فاصله‌ها بودند. کاروان‌ها هفته‌ها نامه‌ها را حمل می‌کردند، کشتی‌های بادبانی آن‌ها را ماه‌ها و گاهی سال‌ها می‌بردند. پست کبوتر، پیک‌ها، سفرهای طولانی و دیدارهای تصادفی در جاده‌های بازرگانی. هر پیام گنجی بود و سرنوشت کشورها به سرعت رسیدن آن بستگی داشت. سپس برق و نور آمدند، و بشریت شب را از دست داد. ما سرعت را به دست آوردیم، اما تعادل شب و روز، هماهنگی طبیعی و ریتم انسانی را از دست دادیم. نور، سرعت زندگی را افزایش داد و زمان تابع قوانین جدیدی شد. تلگراف و کد مورس، انتقال فوری علائم را به جهان هدیه دادند. علائم سریع‌تر از باد از میان سیم‌ها عبور می‌کردند. این نخستین شبکه جهانی بود که در آن نقاط با خطوط به هم متصل شدند و شادی سرعت به سرعت به اعتیاد تبدیل شد. تلفن، صدای زنده انسان را از راه دور ممکن ساخت. مردم برای اولین بار بدون دیدن چهره‌ها، یکدیگر را شنیدند. جادوی نزدیکی آنی به زندگی روزمره راه یافت. اما همراه آن، وابستگی جدیدی نیز آمد — به سیم‌ها، خطوط و زیرساخت‌ها. سپس عصر دیجیتال فرا رسید. او به پلی و دروازه‌ای به فضای جدید تبدیل شد.

آزادی و سرخوشی از کشفیات نخستین: وبسایت‌ها، چت‌ها، نامه‌هایی بدون مرز.

اینترنت برابری و افق‌های باز بدون دیوار را وعده داد.

میلیون‌ها پیام، میلیارد‌ها واژه.

اما هر کدام سبک‌تر شدند، ارزش و عمق انتظار را از دست دادند.

امروز ما در نقطه‌ای جدید ایستاده‌ایم.

جهان به شبکه‌ای دیجیتال تبدیل شده است. هر زندگی – سلولی مجازی از یک زندان.

شبکه‌های اجتماعی میلیون‌ها نفر را گرد هم آوردند، اما در عین حال حریم خصوصی را آشکار ساختند

و آن را عمومی و آسیب‌پذیر کردند. هر حرکت ثبت می‌شود، و اندیشه‌ها فیلتر می‌شوند.

ما به مکانیزم‌هایی وابسته شده‌ایم که توهم انتخاب می‌دهند،

اما در واقع الگوهای رفتاری قابل کنترل را شکل می‌دهند.

جهانی پیش روی ماست که آزادی بیان در آن وعده داده شده، اما هر کلمه‌ای ثبت می‌شود.

هر کنش، ردی بر جای می‌گذارد.

سلول دیجیتال به پوسته‌ای آشنا بدل شده است.

سلول زندان مجازی در هر صفحه نمایش تعبیه شده.

و همچون زندانی‌ای در برابر دری گشوده، انسان از ورود به فضای آزادی هراس دارد – چون بیش از حد

به نظارت عادت کرده است.

امروز شاهد روندهای نگران‌کننده‌ای هستیم.

الگوریتم‌ها تصمیم می‌گیرند که چه چیزی باید بدانیم.

سانسور شکل‌های جدیدی به خود می‌گیرد، و فیلترینگ به یک عرف تبدیل شده است.

اطلاعات مربوط به هر کاربر جمع‌آوری و به کالا تبدیل می‌شود.

آزادی‌ای که فناوری برای آن ساخته شد، به تدریج در حال محو شدن است.

امروز، گام‌ها و حرکات توسط مکانیزم‌های نامرئی نظارت ثبت می‌شوند.

و فردا، نفس‌های ما نیز زیر نگاه آن‌ها خواهد بود.

و ما به نقطه‌ای بدون بازگشت نزدیک می‌شویم که پس از آن حتی امور خصوصی و شخصی نیز به

مالکیت شبکه‌ها درمی‌آید.

لحظه‌ای فرا خواهد رسید که دیگر امکان پنهان شدن وجود نخواهد داشت.

NQX – فرار از واقعیت نیست.

بازگشتی مستقیم به آزادی کامل است – به فضایی بدون واسطه، بدون ذخیره‌سازی، بدون نظارت.

NQX – چرخشی نو در اشتیاقی کهن است – با هم بودن، در حالی که آزاد می‌مانیم.

NQX – نجات است. راه است. انتخابی آزاد برای هر انسان.

در روزگاران دور، انسان‌ها در جستجوی راهی برای غلبه بر فاصله‌ها بودند.

کاروان‌ها هفته‌ها حرکت می‌کردند، کشتی‌ها آن‌ها را ماه‌ها حمل می‌کردند.

پست کبوتر، پیک‌ها و سفرهای طولانی.

دیدارهای تصادفی در مسیرهای تجاری.

هر پیام گنجی بود و سرنوشت جهان به سرعت رسیدنش وابسته بود...